

● ویتترین درس چهارم ●

✱ فلسفه یازدهم انسانی ✱

عصمت اکبره / خراسان رضوی / نوخندان

- برای دانش فلسفه از نظر زمانی و مکانی نمی توان آغاز تعیین کرد
👉 زیرا هر جا تمدنی شکل گرفته کسانی بودند اند که درباره اساسی ترین مسائل هستی و زندگی بشر می اندیشیده اند و سخن می گفته اند
- تمدن های قدیمی تر و ساده تر 👉 مقدمه و پلکان شکل گیری تمدن های جدید تر بودند و دستاوردهای آن ها به تمدن های جدیدتر منتقل شده است
- ایران باستان 👉 یکی از سرزمین های فلسفه خیز بوده و حکیمان و فیلسوفانی خداپرست در ایران می زیسته اند
- سهروردی معتقد است 👉 در دوره کیانیان انسان های وارسته ای بودند که هم به حکمت و فلسفه می اندیشیدند و هم دارای سلوک معنوی بودند
- حکیمان و فیلسوفان ایران باستان 👉 پیش از فیلسوفان دوره یونان باستان برخی نیز همزمان و پس از آنان می زیسته اند
- در تمدنهای باستانی 👉 مثل تمدن های چین، هند، بین النهرین و مصر نیز که پیش از تمدن یونان شکل گرفته اند کم و بیش حکمت و فلسفه رواج داشته است

● نمونه آثاری که حکایت از تفکر در مسائل بنیادین هستی در تمدن های باستانی دارد 🖱️ اوپانیشادها که شامل متون متعدد هندوست و گاتاها که سروده های زرتشت می باشد

● نخستین مجموعه ها یا قطعه هایی که به زبان فلسفی نگاشته شده یاجنیه فلسفی در آنها غلبه داشته 🖱️ از یونان باستان به یادگار مانده است

● از سرزمین یونان 🖱️ به عنوان مهد تفکر فلسفی یاد میشود

● در سرزمین یونان بود 🖱️ که دانش فلسفه شکل گرفت و تفسیر جهان با روش عقلانی رایج شد

● زادگاه فلسفه یونانی 🖱️ بخشی بود از سرزمین یونان باستان واقع در غرب آسیای صغیر که ایونیا نامیده می شد

● حدود شش قرن پیش از میلاد 🖱️ مباحث فلسفی در یونان باستان پایه گذاری شد و اولین فیلسوفان یونان پا به عرصه وجود گذاشتند

● در آغاز شکل گیری فلسفه 🖱️ آنچه بیش از هر چیزی اندیشمندان را به خود مشغول می کرد دگرگونی های بود که پیوسته در جهان طبیعت رخ می داد

● اندیشمندان اولیه یونان باستان 🖱 فقط به تفکر فلسفی نمی پرداختند آنان دانشمندی بودند که کمابیش با مجموعه علوم زمان خود از جمله فلسفه آشنا بودند و به مسائل بنیادین هستی نیز توجه می کردند

● در زمان سقراط بود 🖱 که کلمه فیلسوف بر سر زبان ها افتاد

● مورخان فلسفه 🖱 تالس را نخستین اندیشمند یونانی می دانند که اندیشه فلسفی مشخصی داشته است

● تالس 🖱 در قرن ششم پیش از میلاد می زیست

● هیچ نوشته ای از تالس 🖱 باقی نمانده است و از روی نوشته های فیلسوفان بعدی برخی از افکار او را به دست آورده اند

● تالس در سال 🖱 ۵۸۵ قبل از میلاد کسوفی را پیش بینی کرد و این خورشید گرفتگی در همان زمان رخ داد

● تالس عقیده داشت که 🖱 آب اولین عنصر و پایه و اساس سایر چیز هاست و همه چیز در نهایت از آب ساخته شده است

● تالس می دید که 🖱 آب در درجات بالا بخار می شود و در درجات پایین منجمد و سخت می گردد و وقتی به صورت باران می آید گیاهان از زمین می رویند پس اینها هم حتما شکل دیگری از آب اند

● فیثاغورس ➡ همانطور که پایه گذار ریاضی و هندسه است یکی از پایه گذاران فلسفه نیز محسوب می شود

● فیثاغورس ➡ ریاضیات را به گونه‌ای خاص با فلسفه و عرفان در هم آمیخت و یک دستگاه فلسفی عمیق بنیان نهاد

● ارسطو درباره فیثاغورس و پیروان او می‌گوید ➡ فیلسوفانی که به نام فیثاغوریان خوانده می شوند نخستین کسانی بودند که خود را وقف ریاضیات کرده و باعث پیشرفت آن شده‌اند در نظر آنان اصول ریاضی درباره تمام موجودات صادق است و اعداد و اصول اعداد همان عناصر اولیه همه موجودات هستند

● فیثاغورس ➡ لفظ فلسفه را برای اولین بار به کار برد

● فیثاغورس ➡ واژه تئوری را به معنایی که امروز رایج است و نیز واژه کیهان را برای جهان، برای نخستین بار استفاده کرد

● شهرت هراکلیتوس در تاریخ فلسفه ➡ به دلیل دو اندیشه اوست اولی وحدت اضداد و دومی تغییر و تحول دائمی جهان

● هراکلیتوس عقیده داشت ➡ اموری که باهم ضد هستند می‌توانند با یکدیگر جمع شوند مثلاً درباره یک لیوان که تا نصف آن آب است، هم می‌توان

گفت نیم لیوان خالی است و هم می‌توان گفت نیم آن پر است و این دو جمله تضادی با یکدیگر ندارند

● هراکلیتوس معتقد است ➡ وجود اضداد است که جهان را می‌سازد و گریزی از ستیز و تضاد نیست

● هراکلیتوس معتقد بود ➡ همه چیز در سیلان و حرکت است و هیچ چیز ثابتی در جهان وجود ندارد دگرگونی قانون زندگی و قانون کائنات است و بر همه چیز فرمان می‌راند و نمی‌توان از آن گریخت

● پارمنیدس ➡ بنا به نقل افلاطون سقراط در جوانی با وی ملاقات کرده است

● پارمنیدس فلسفه خود را ➡ به صورت شعر عرضه کرده و با بیانی شاعرانه به توصیف عقاید خود پرداخته است

● پارمنیدس برای نخستین بار به ➡ مفهوم بودن و شدن (وجود و حرکت) که از مفاهیم اصلی فلسفه هستند توجه دقیق کرده و تفاوت آن‌ها را ذکر کرده است

● پارمنیدس بر خلاف هراکلیتوس ➡ می‌گفت که هستی یک امر واحد ثابت است و حرکت و شدن ندارد

● پارمنیدس می‌گفت ➡ در جهان واقع، نیستی راه ندارد و نمی‌توان گفت نیستی، هست زیرا این جمله تناقض آمیز است ما با یک واقعیت بدون تغییر و جاودان و فنا ناپذیر رو به رو هستیم

● پارمنیدس بیان می‌کرد 🖱️ از طریق حواس نمی‌توان به واقعیت بدون تغییر و جاودان و فناپذیر رسید

● پارمنیدس معتقد بود که 🖱️ تنها با تفکر عقلی است که می‌توان این حقیقت (یعنی واقعیت بدون تغییر و جاودان) را دریافت


● پارمنیدس معتقد بود 🖱️ حواس فقط همین مرتبه ظاهری جهان و هستی را نشان می‌دهد که نشان دهنده امور مختلف و متغیر است اما با عقل می‌توان به عنوان لایه باطنی و حقیقی هستی رسید که بدون تغییر و جاودانه است

● آرا و نظرت گوناگون و غالباً متضادی که اندیشمندان دوره یونان باستان عرضه داشتند 🖱️ سبب شد تا نوعی تشویش و نگرانی بر مردم آن روزگار غالب شود و بذر بی‌اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه در ذهنشان پراکنده گردد

● آشفتگی فکری ناشی از نظرات گوناگون اندیشمندان یونان باستان 🖱️ به ظهور دانشمندانی منجر گردید که منادی بی‌اعتباری علم و اندیشه شدند این گروه خود را سوفیست یعنی دانشمند می‌خواندند

● سوفیست‌ها به این دلیل که 🖱️ سخن اندیشمندان و جهان‌شناسان با یکدیگر متضاد است و آنها نتوانسته‌اند تفسیر درستی از جهان به دست آورند نظرات آنان را بیهوده دانستند

● سوفیست‌ها به جای آموزش علوم 🖱️ به فن سخنوری روی آوردند

● سوفیست ها به جای رسیدن به حقیقت  پیروزی بر رقیب را هدف قرار دادند و به آنجا رسیدند که اصل حقیقت و واقعیت را انکار کردند

عصمت اکبری